



AFP

تحصیل، خانه‌دارها و زنان سرپرست خانوار فقیر را شامل می‌شود. یعنی ۹۵ درصد خانوارهای دارای زن سرپرست فقیر در محاسبات انجام شده جزو بیکاران و جزو گروه‌های زیر خط فقر هستند که فقر چند بعدی را تجربه می‌کنند. بازنشسته‌ها و مستمری بگیران بیکاری جوانان را در خانواده ادغام کردند، چرا که در کشور ما برخلاف برخی کشورهای در حال توسعه از آنجا که هنوز خانواده تنها نهاد

قدرتمند باقی مانده است، جوان بیکار به صورت کارتن خواب ظهور و بروز نمی‌کند بلکه خانواده او را حمایت می‌کند و بیکاری جوان بیشتر به صورت پدیده فقر خانواده ظاهر می‌شود که ممکن است پیامدهای ناگواری برای ساختار خانواده فراهم کند. به علاوه میان گروه‌های فقیر پدیده فقرای شاغل را هم شاهد هستیم. پدیده‌ای که در کشور ما وجود دارد. به این معنا که شغل و درآمد فرد کفاف زندگی را نمی‌دهد. بنابراین شاغلان هم میان گروه‌های فقیر قرار می‌گیرند. براساس محاسبات انجام شده حدود ۶۰ درصد حقوق بگیران بخش عمومی در بخش ساختمان و خدمات و کارهای ساده کار می‌کنند که جزو گروه‌های فقیر هستند. بنابراین، همه این افراد از افزایش قیمت بنزین صدمه می‌بینند، به این دلیل که در شهرهای اقماری زندگی می‌کنند و برای رسیدن به شهر (محل کارشان) هزینه حمل و نقل بیشتری را پرداخت خواهند کرد.

طبقات شهری تقریباً هیچ واکنشی در این حادثه نداشتند. به این دلیل که بسیار کمتر از گروه‌های ذکر شده از تغییر قیمت بنزین صدمه می‌بینند. به علاوه اینکه گفتمان روشنفکری هم خواسته آنها را برای تغییرات سیاسی نمایندگی می‌کند. آنها پیش از تغییر قیمت بنزین دائماً خواستار وصل اینترنت بودند و بیشتر از قطع اینترنت صدمه دیدند چرا که نابرابری اطلاعاتی برای آنها فقر محسوب می‌شود.

مسئله دیگری که به این رویداد دامن زده است فقدان گفتمان روشنفکری پیرامون مسائل گروه‌های مستضعف و آسیب پذیر است. گفتمان روشنفکری موجود ما از عدالت و برابری و قسط سخن نمی‌گوید بلکه خواسته‌های طبقه متوسط فرهنگی که خواستار باز شدن فضای سیاسی هستند را نمایندگی می‌کند که این موضوع شکافی میان طبقات متوسط و فرودست ایجاد کرده است

روشنفکری پیرامون مسائل گروه‌های مستضعف و آسیب پذیر است. گفتمان روشنفکری موجود ما از عدالت و برابری و قسط سخن نمی‌گوید بلکه خواسته‌های طبقه متوسط فرهنگی که خواستار باز شدن فضای سیاسی هستند را نمایندگی می‌کند که این موضوع شکافی میان طبقات متوسط و فرودست ایجاد کرده است. اگر به خاطر داشته باشید در اوایل انقلاب مفاهیمی چون مستضعف یا اقشار آسیب پذیر در حوزه عمومی و گفتمان‌های غیر رسمی وجود داشت اگرچه ما نمی‌توانستیم برای پاسخ به نیازهای گروه‌های مختلف جامعه منابع کافی داشته باشیم اما همین امر نشان می‌دهد حداقل نیروهای مختلف سیاسی و فکری مسائل آنها را نمایندگی می‌کردند. در آن موقع به طور مرتب نهادها و بنیادها و طرح‌های مختلفی از جمله طرح حساب ۱۰۰ امام، طرح مسکن سازی، تأسیس بنیادهای مختلف مانند بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و بنیاد ۱۵ خرداد و کمیته امداد و طرح‌های شهید رجایی و اقدامات جهاد سازندگی همگی بازتاب گفتمانی بود که این وظیفه را پیش پای سیاستمدار قرار می‌داد تا نیازهای اقشار آسیب پذیر را برطرف کنند. گروه‌های سیاسی با یکدیگر بر سر برآورده کردن این نیازها رقابت می‌کردند و گروه‌های سیاسی براساس مواضع اقتصادی و اجتماعی‌شان تشخیص داده می‌شد. موضوعی که باعث شد در عمل دولت‌ها مسائل اجتماعی و اقتصادی را دنبال کنند اما به مرور این گفتمان رفاهی کمرنگ شده و الان می‌توان گفت دیگر وجود ندارد و در حال حاضر جای آن را گفتمان سیاسی گرفته است. گفتمانی که بیشتر نیازهای طبقه متوسط را نمایندگی می‌کند. در نتیجه همین مسئله باعث شده که در اعتراضات آبان ماه امسال و دی ماه سال ۹۶ شاهد ظهور گروه‌هایی باشیم که هیچ گروه سیاسی نیازهای آنها را از قبل تشخیص نداده است. بنابراین می‌توان گفت به دلیل فقدان گفتمان رفاه و عدالت نتوانسته ایم یک نظام رفاهی کارا تأسیس کنیم. با این حال سازمان‌های رفاهی مختلفی در ایران فعالیت می‌کنند که با هم همپوشانی دارند و برخی نیز به مجلس و دولت پاسخگو نیستند اما هیچ محقق به این مسئله اشاره نمی‌کند، چون گفتمانی وجود ندارد.

بنابراین کاملاً روشن است که گروه‌های معترض را افراد فقیر جامعه تشکیل می‌دهند. شاید بتوان گفت که این گروه‌ها دچار فقر چند بعدی شده‌اند. افزایش قیمت بنزین به لحاظ اقتصادی آنها را در موقعیت بدتری قرار نداده است اما چشم انداز زندگی را برای آنها نامطمئن و مشکل کرده است. چون در زمانی که انتظار داشتند جایگاهشان تغییر کند با حادثه‌ای مواجه شدند که به نظر می‌رسد وضع زندگی‌شان را بدتر می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که به طور کلی ۴۰ درصد گروه‌های زیر خط فقر خارج از بازار کار قرار دارند که اینها گروه‌های مختلف بازنشستگان، افراد در حال